

تبیین نقش و جایگاه قدرت نرم در تحقق اهداف سیاست داخلی و خارجی

رضا التیامی نیا^۱

استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه یاسوج (نویسنده مسئول)

علی تقوایی نیا^۲

استادیار گروه روانشناسی دانشگاه یاسوج

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۹/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۶/۱۹

چکیده

واقع‌گرایان سنتی نسبت به اهمیت ایده‌ها بی‌تفاوت بودند. در حقیقت در سال ۱۹۳۹، ای.اچ. کارآ قدرت بین‌المللی را در سه دسته بندی توصیف و ارائه کرد: قدرت نظامی، قدرت اقتصادی و قدرت مسلط بر افکار و ایده‌ها (قدرت نرم). قدرت در مفهوم رئالیستی به منابع قابل سنجش و محسوس تقلیل یافت. قدرت نرم شکلی از ایدئالیسم یا لیبرالیسم نیست بلکه شکلی از قدرت است یا روشی برای دستیابی به نتایج مطلوب است. مشروعیت، واقعیت قدرت است. نبردها یا تلاشهای رقابتی بر سر مشروعیت بخشی از عوامل تقویت‌کننده یا محروم‌کننده قدرت نرم می‌باشد و در این منازعه، دولت‌ها تنها بازیگران اصلی نیستند بلکه شرکتها، موسسات و نهادها، سازمانهای غیردولتی و حتی شبکه‌های تروریستی غیردولتی اغلب دارای قدرت نرم خودشان می‌باشند. بسیار مهم است که قدرت سخت و نرم را در راهبردهایی که تحت عنوان قدرت هوشمندانه تعریف می‌شوند ترکیب نمود. (6-1, 2004, NYE, JR). قدرت نرم در سیاست داخلی و خارجی سبب هویت‌سازی، تحریک و بسیج افکار عمومی برای تحقق اهداف کلان نظام سیاسی، احیاء هویت‌های فروپاشیده، ایجاد وحدت در داخل، تحکیم موقعیت و مواضع سیاسی منطقه‌ای و بین‌المللی آن نظام، تقویت حس پویایی، پیشرفت و تقویت روحیه جهادی و دفاع از موجودیت آن نظام و ارمانهای آن می‌شود اما در نظامهای سخت و غیرالهی سبب استعمار نوین، توجیه رفتارهای سلطه‌طلبانه، تحریک افکار عمومی علیه دشمن خیالی، فرافکنی و سرپوش گذاشتن بر ناکامی‌ها و مشکلات داخلی آن نظام می‌شود.

واژه‌های کلیدی: قدرت نرم، سیاست خارجی، بازنمایی، حوزه نفوذ، ایده

1. eltyam81@yahoo.com
2. taghvaci.ali2@gmail.com
3. E.H. Carr

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های یاسوجی جهان اسلام

۱۶۷

تبیین نقش و جایگاه قدرت نرم در تحقق اهداف سیاست داخلی و ...

مقدمه و بیان مسئله

قدرت به معنی توانایی اثر گذاری بر رفتار دیگران برای تحقق اهداف مورد نظر می‌باشد یا قدرت توانایی نفوذ و اثرگذاری بر رفتار دیگران برای دستیابی به نتایجی که یک فرد یا دولت می‌خواهد باشد. اما شیوه‌های مختلفی وجود دارد که از طریق آنها می‌توان بر رفتار دیگران تأثیر گذاشت. شما می‌توانید دیگران را با تهدید وادار به انجام کاری نمایید، شما می‌توانید با پول و تطمیع آنها را برانگیزید یا شما می‌توانید آنها را جذب و انتخاب کنید تا آنها چیزی را که شما می‌خواهید آنها هم بخواهند. قدرت نرم و سخت به هم مرتبط هستند زیرا آنها هر دو جنبه‌هایی از توانایی برای دستیابی به اهداف فردی یا دولتی از طریق اثرگذاری بر رفتار دیگران است. تفاوت‌هایی بین آنها هم به لحاظ ماهیت رفتار و هم ملموس و محسوس بودن منابع آنها وجود دارد. قدرت فرماندهی و امر و نهی کردن به معنی توانایی تغییر آنچه که دیگران انجام می‌دهند می‌باشد که این نوع قدرت یا مبتنی بر زور یا تحمیل و تهییج است. قدرت انتخابی یا گزینشی به معنای توانایی شکل بخشیدن به آنچه دیگران می‌خواهند می‌باشد که ابتدای آن بر جذابیت‌های فرهنگ و ارزشهای آن فرد و کشور می‌باشد یا توانایی دستکاری و تغییر انتخاب‌های سیاسی به شیوه‌ای است که دیگران را ناکام بگذارند یا وادار کنند تا برخی ترجیحات را بروز دهند و بیان کند. منابع قدرت نرم تمایل دارند با طیفی از رفتارهای اختیاری پیوند داشته باشند در حالی که منابع قدرت سخت معمولاً با رفتار زور و دستور در ارتباط هستند. یک اقتصاد قوی تنها فراهم کننده منابع لازم برای تحریمها و پول پاشی و تطمیع نیست بلکه همچنین می‌تواند منبع جذابیت هم باشد (NYE, JR, 2004, 1-6).

برخی مواقع شرایطی وجود دارد که در آنها قدرت نرم اهرم فشار کوچکی عرضه می‌کند برای مثال این دشوار است که بینیم چطور قدرت نرم مناقشه جاری بر سر تسلیحات هسته‌ای کره شمالی را حل می‌کند. با این وجود وقتی یک دولت در زمینه اهداف اجتماعی و الهی یا اهداف ارزشهای عمومی نظیر ارتقای مردم سالاری حقیقی، حقوق بشر و آزادی و عدالت متمرکز شود قطعاً در اغلب موارد اثبات شده است که قدرت نرم از قدرت سخت برتری و ارجحیت دارد. قدرت نرم هر کشوری به سه منبع متکی می‌باشد: نخست، فرهنگ آن کشور در نقاط و عرصه‌هایی که برای دیگران جذاب است، دوم، ارزش‌های سیاسی آن کشور، وقتی که اثربخشی و سرزندگی آنها در داخل و خارج آن کشور برای خودشان معلوم



و محقق شود و سوم، سیاست‌های خارج آن کشور وقتی که توسط مردمان کشور و دیگران مشروع و دارای اقتدار اخلاقی تلقی شوند و مردم جهان احساس کنند آنها مشروع و اخلاقی هستند. این شرایط برای تعیین اینکه آیا منابع قدرت نرم به معنی رفتار جذب کننده ترجمه شود که بتواند بر دیگران اثر و نفوذ داشته باشد و آنها را به سمت و سوی نتایج مطلوب سوق دهد حیاتی و تعیین کننده هستند. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد آمریکا و غرب بعد از شکست و ناکامی برنامه‌های آنها برای سرنگونی انقلاب اسلامی ایران با روشهای جنگ سخت نظیر تحرکات و اقدامات مسلحانه در نواحی مرزی، کودتای نوژه، ترور انقلابیون، هشت سال جنگ تحمیلی، هزینه‌های شدید و فراوان جنگ سخت، مخالفت افکار عمومی داخلی و خارجی با استفاده از جنگ سخت و سیاستهای جنگ طلبانه، شکل گیری مقاومت‌های مردمی بر علیه استفاده از جنگ سخت در کشورهای مورد هجوم قرار گرفته، قدرت و تجربه قابل ملاحظه جمهوری اسلامی و ارتش ایران، ناامیدی و فقدان نتایج مناسب در استراتژیهای نیمه سخت سعی کرده‌اند با استفاده از تحریمهای اقتصادی و فشارهای دیپلماتیکی و پتانسیل قدرت نرم خود، به دنبال به حاشیه راندن الگوی توسعه جمهوری اسلامی ایران هستند (Watanabe and McConnell, 2008: 10-15).

وزیر خارجه آمریکا، جان فوستر دالاس اشکار در جمله مشهوری اعلام کرد که کمونیسم باید از طریق ابزارهای نفوذ تدریجی ایده‌ها و فرهنگ غرب (تکامل مسالمت آمیز) از بین رود به جای اینکه تهاجم خشنی صورت گیرد. بر اساس تکامل تدریجی، دالاس معتقد بود که از ابزارهای سازنده قدرت نرم یعنی تجارت، ایده‌ها، فرهنگ، تماس چهره به چهره مردم می‌توان بر کمونیسم و شوروی فائق آمد. او معتقد بود که در طی زمان این مؤلفه‌های قدرت نرم، نظام کمونیست را ساقط می‌کند. این ایده فوراً توسط رهبران کمونیستی نظیر مائو زدوونگ تهدید جدی تلقی شد و وی سعی کرد در برابر آن مانع ایجاد کند. در یک نمود اشکارتر در طول جنگ سرد، قدرت نرم با هدف بازسازی جوامع ویران شده اروپای غربی و ژاپن مورد استفاده قرار گرفت و برای محافظت و توسعه حمایت آمریکا از متحدان غربی خود مورد استفاده قرار گرفت. رویارویی با پروپاگاندا شوروی، توجیه محکمی برای برنامه ریزان اطلاعاتی و فرهنگی آمریکا فراهم نمود. کارکرد اولیه سفارت آمریکا و سفرای امریکایی این است که ایالات متحده و سیاستهای آن کشور را برای کشور میزبان بازنمایی و بازشناسی کنند. هدف



فوری و مهم دیپلماسی عمومی امریکا در ژاپن و عربستان تحکیم روابط نزدیک و تاکید بر ارزشهای مشترک است از زمان شروع جنگ سرد، علت وجودی دیپلماسی عمومی سفیر تقویت و ترویج حمایت از متحدان امنیتی امریکاست. در شرایط بین المللی اخیر، امریکا به کشورهای متحد منطقه خاورمیانه و ژاپن برای تداوم انجام نقش پیش رو در امور منطقه‌ای و جهانی بر اساس ارزشها، منافع مشترک و نیز همکاری نزدیک دفاعی و دیپلماتیک مشترک نگاه می‌کند. امریکا تلاش می‌کند چالشهای دیپلماسی عمومی خود که در خاورمیانه با آنها روبه رو می‌باشد را حل نماید لذا در این راستا مهمترین اقدام، توسعه و گسترش راهبرد بلند مدت مبادلات فرهنگی و آموزشی در جوامع ثروتمند و نسبتاً بازتر است. اغلب کارآمدترین سخنگویان امریکا، امریکایی نیستند بلکه افراد غیربومی هستند که ارزشهای امریکایی و نیز معایب آن را درک می‌کنند (Seichi 2008, 203-205).

یکی از کارکردهای قدرت نرم در بعد سیاسی و فرهنگی تولید غیریت سازی یا دشمن خیالی است. فرد یهودی دائماً در ذهن خویش چنین می‌پندارد که حق به جانب اوست بنابر این به سبکی رفتار دیگران را در قبال خویش تأویل و تفسیر می‌کند که متناسب با اثبات برتری خویشتن و حقارت دیگری باشد؛ یعنی او در دیگری تنها دشمنی، تنفر، رشک و حسادت نسبت به خویشتن را احساس می‌کند. این حالت روحی تنها در افرادی شکل می‌گیرد که دارای ذهنیت پریشان و پیچیده در تعامل با دیگران هستند و کاملاً با تحلیل روحی شخصیت فرد یهودی که در حصار گتوهای اختیاری می‌زیسته است منطبق است. مسئله مذکور بر ساختار روحی فرد یهودی پیامدهای منفی برجای گذاشت که از بطن آن احساس دائم خشونت و آزار بیرون می‌آید. در نتیجه این دیدگاه و با رویکرد آزار و اذیت دائمی، در اندیشه یهودیت به طور کلی امکان آمیزش اجتماعی با دیگر ملت‌های غیرخودی وجود ندارد و این همان عنصر فعال و موثری است که در ساختار اندیشه یهودی و ادراکات هنجاری و مرسوم آنها از «دیگری غیر یهود» دخیل واقع شده است. متون دینی تلمود نیز به بیان اوصاف غیریهودیان پرداخته و احکامی کاملاً نژادپرستانه و نادرست صادر کرده است. در تلمود چنین آمده است: جایگاه فرد اسرائیلی در نزد خداوند از فرشتگان برتر است؛ بنابر این اگر انسانی یک اسرائیلی را ضرب و شتم کند گوئی که جلال و عزت خداوند را لگد مال کرده است. بدین صورت، اندیشه برتری جویانه ی یهودی در لفافه‌ای از روح تجاوزکارانه پیچیده می‌شود



و سعی بر تولید اوهام قهرمانانه در روح فرد یهودی برای رویارویی با غیریهودسانی دارد که آرزوی غلبه بر او را دارند و از این طریق سعی دارند رفتار انتقام گرفتن از دیگر ملت‌های غیر یهود را توجیه کنند (سلامه، ۲۰۱۶: ۱-۲۶). دولت‌های نرم آن گروه از دولت‌ها هستند که بخش عمده‌ای از منابع قدرت آنان مرکب از منابع مادی، فرهنگی و معنوی است. در این قبیل دولت‌ها، ضمن تأکید بر جنبه‌های معنوی و اخلاقی قدرت، نسبت به منابع مادی قدرت نیز توجه لازم صورت می‌گیرد. جنگ نرم طولانی غرب علیه جمهوری اسلامی ایران به دو نوع جهان بینی بر می‌گردد. غرب در دو دهه اخیر پس از ناکامی‌ها در جنگ سخت نظامی و اقتصادی علیه ایران، با استفاده از قدرت نرم و عملیات روانی و نیز با کمک تحولات و ابزارهای ارتباطی و اطلاعاتی دامنه تقابل و مقابله با دولت‌های استقلال طلبی نظیر جمهوری اسلامی ایران را توسعه داده‌اند. پژوهش‌های زیادی لازم است تا تعیین شود قدرت نرم چگونه بر سیاست کشورها اثر می‌گذارد و به چه میزان در تحقق اهداف سیاست خارجی و داخلی کشورها مؤثر است؟ این پژوهش تلاش می‌کند تا درک مناسبی را در خصوص ویژگی‌های قدرت نرم، ابعاد تأثیری آن، فرایند اثربخشی و بکارگیری آن توسط دولت‌ها ارائه نماید. روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش، روش کیفی و با رویکرد هرمنوتیکی بوده و شیوه جمع آوری اطلاعات استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی می‌باشد.

کلیات بحث

چارچوب و مبانی نظری

فهم رفتار دولت در وضع آنارشیک یا فراهم آوردن تئوری مناسب برای سیاست خارجی، همچنان مهمترین هدف دانش روابط بین الملل است. رویکرد رئالیستی، بقا را اصلی‌ترین انگیزه رفتار بین المللی دانسته و معتقد است بدون موجودیت عنصر بقا در رفتار دولت‌ها، هیچ دولتی برای افزایش توان ملی در عرصه سیاست بین الملل گام برنخواهد داشت (Waltz 1979, 112). در این پژوهش از رویکرد ژئوکالچر و رئالیسم تدافعی و تهاجمی برای تحلیل موضوع و داده‌ها استفاده می‌شود.

اگر چه این مفهوم معروف که می‌گوید «این بهتر است که بدون نزاع و جنگ صاحب و برنده چیزی شوی» جدید نیست، اما مفصل بندی و طرز بیان معاصر و امروزی نای از قدرت



نرم تاثیرات عمیقی برجای گذاشت. مانند مفهوم سرمایه اجتماعی رابرت پوتنام، کار نای یک پایگاه و زمینه‌ای را برای مباحثه برای سیاست سازان و محققان رشته‌های مختلف فراهم نمود. در نتیجه، تصور و درک وی از قدرت فرهنگی به عنوان جایگزین قدرت نظامی و اقتصادی رواج وسیعی از زمان ورود و معرفی اش در قلمرو دیپلماتیک و لغتنامه سیاسی بدست آورد. از آن موقع آثار فراوانی در جهان به موضوع قدرت نرم وارد شدند و رسانه‌های مشهور جهان نیز مقالاتی را منتشر نمودند که در آنها از قدرت نرم استفاده می‌کردند و موضوعات مختلفی از روانشناسی عملیات انتحاری تا سیاست خارجی چین را در بر می‌گرفت و غالباً از زاویه قدرت نرم به این موضوعات نگاه شده است. محققان دانشگاهی نیز در موضوعات خاص و نیز کتابهای خود وزن خاصی را برای تحلیل قدرت نرم اختصاص دادند. برخلاف نظریه برخورد تمدنهای ساموئل هانتینگتون که طوفانی از جدل و مناقشه را در پی داشت، قدرت نرم سبب برانگیختن انتقادات نسبتاً معتدل در محافل سیاست گذاری و پژوهشی گردید. اینکه جاذبه‌های فرهنگی بتواند به عنوان قدرت نرم تبدیل شوند و استفاده شوند بستگی به هدف واقعی سیاست، زمینه و روش اجراییان دارد. همانطور که خود نای یادآوری می‌کند، تنها به این دلیل که برخی خارجیها کوکاکولا می‌نوشند یا تی شرت میکائیل جردن را می‌پوشند این به معنی این نیست که آمریکا بر آنها قدرت و نفوذ دارد. قدرت نرم هزینه انجام اهداف سیاسی را کاهش می‌دهد. نای اخیراً گفته است که بهترین روش استفاده از قدرت برای تحقق اهداف یک کشور، ترکیب کردن قدرت سخت و نرم در یک راهبرد برد و فتح تحت عنوان قدرت هوشمندانه است (Watanabe and mcconnell, 2008, 18-30).

ساختار ژئوکالچر جهانی بیانگر موزائیکی از نواحی فرهنگی کوچک و بزرگی است که محصول تعاملهای مکانی-فضایی قدرت فرهنگی اند که در طول و به موازات یکدیگر حرکت می‌کنند. از آنجا که فرایند سیاسی متضمن ترکیبی از حالت‌های سه گانه ستیزه، رقابت و همکاری است، بنابراین نواحی فرهنگی یا حوزه‌های تمدنی در طول تاریخ همواره اشکال سه گانه مذکور را در کنار هم به نمایش گذارده‌اند و با هم آمیزش داشته و مکمل یکدیگر بوده‌اند (حیدری، ۱۳۸۴: ۹۴-۹۵). البته منظور این است که تمدنها بیش از آنکه مغلوب یکدیگر شده باشند با هم آمیزش داشته و مکمل یکدیگر بوده‌اند. نظریه سازه انگاری نیز تاکید زیادی بر نقش و تأثیر فرهنگ و هویت در روابط میان دولتها دارد. سازه انگاری نظام بین الملل را



ساخته و پرداخته‌ای اجتماعی می‌داند یعنی نظام بین الملل چیزی جز نحوه اندیشیدن و تعامل انسان‌ها با یکدیگر نیست. آن‌ها معتقدند که نظام بین الملل، جدای از برداشتی که انسانها درباره آن دارند موجودیتی ندارد. فرهنگ و اندیشه نقش مهمی در تعیین پدیده‌های سیاسی و اجتماعی دارند. سازه‌انگاران استدلال می‌کنند که ساختارهای هنجاری یا عقیدتی به همان اندازه ساختارهای مادی حائز اهمیت هستند. از طریق رفتارها و ژستهای جدید، کشورها می‌توانند منافع و هویت‌های خود را در جهت اهداف مشترک و ابزارهای مسالمت آمیز و صلح جویانه بازسازی و بازتعریف نمایند (قربانی نژاد و فرجی راد، ۱۳۹۵: ۱-۷).

در واقع از آنجایی که بر اساس رهیافت گفتمانی، معنا خاصیت ذاتی واژه‌ها و اشیا نیست، بلکه نتیجه توافق یا عدم توافق است، بنابراین معنای دیگری (دشمن) نیز از ماهیتی قراردادی برخوردار است. البته با توجه به اینکه خود گفتمان بر شکل و ماهیتی پایدار مزمین نیست لذا مرزهای میان ما آنها (دیگری یا دشمن) همواره لرزان و منزلتها و مواضع خودی و غیرخودی بطور مستمر در ریزشند مانند از بین رفتن تفکر غیریت ساز بین امریکایی‌ها و روسها پس از فروپاشی شوروی. غیریت سازی یا دشمن خیالی با ایجاد مرزهای نمادین بین ما در برابر آنها (دیگری یا دشمن) متناسب با اهداف نظامهای گفتمانی برساننده آن در هر مقطع زمانی کارکردهای مختلفی دارد. نظام‌های گفتمانی با استفاده از تصویر ژئوپلیتیکی دشمن خیالی، جهانی برده و ساکن را پدید می‌آورند و زور و قدرت را جایگزین استدلال می‌کند اما مدعی می‌شوند که مستدل سخن می‌گویند آنها با توسل به دشمن خیالی تلاش می‌کنند تا مشروعیت خود را به طور اقماعی به دیگران بقبولانند و در این میان هر قدر دشمن سازی آنها بیشتر باشد و توسط فناوریهای مختلف گستره بیشتری بیابد کانونهای قدرت بادوام‌تری تأسیس می‌شود (حافظ نیا و همکاران، ۱۳۸۹: ۱-۵).

در بسیاری از جوامع، غیریت سازی یا دشمن سازی از بدو تولد در خانواده آغاز می‌شود و بعدها توسط سیستم آموزشی و نظام رسانه‌ای تقویت می‌شود. به اعتقاد بنو و بلانکاردا قصه‌های که برای بچه‌ها در فرانسه حکایت می‌شود پر است از دیو و پری بدذات و موجودات اهریمنی. (مندراس و گورویچ، ۱۳۵۴: ۸۸-۸۹). اساس جنگ سرد زائده عملکرد دشمن سازی یا غیریت سازی متقابل بود چه اینکه پایان یافتن آن در دوران زمامداری گورباچف در شوروی به علت فرو ریختن پرده آهنین صورت نگرفت بلکه قبل از آن ذهنیت غیریت ساز افراطی



بین غرب و شرق متفی شده بود (بیابان نورد، ۱۳۸۳: ۶۶). نکته قابل تأمل این است که انسانها و نه گفتمانها، تصویر دشمن فرضی را به دلیل امتزاج آن با سایر تصورات و فرضیه‌های نهفته در زبانها به صورت غیرارادی می‌پذیرند چه از نظر وندل جانسون، زبانی که استفاده می‌کنیم نه تنها کلمات را در دهان ما می‌گذارند، بلکه تصوراتی را در ذهن ما قرار می‌دهند (سورین و تانکارد، ۱۳۸۸: ۱۲۵). در روابط بین الملل و سیاست خارجی کشورها با انحاء مختلف سعی دارند بر کشورها و جوامع دیگر نفوذ و اثر داشته باشند چون عمل اثر گذاری بر رفتار دیگر یکی از موضوعات کلیدی در روابط بین الملل و سیاست خارجی می‌باشد.

جنگ نشانه‌ها هم اکنون در بسیاری از حوزه‌های جغرافیایی وجود دارد که دارای رویکردهای هنجاری و نمادین متعارض هستند. این نوع جنگها در بین کشورهای جهان غرب علیه کشورهای اسلامی شیوع بیشتری پیدا کرده است. اگر روندهای تصمیم‌گیری بوسیله بازیگران و نهادهای بین‌المللی را مورد بررسی قرار دهیم به این جمع بندی می‌رسیم که بخش عمده از تضادها را می‌توان در قالب انگارهای هنجاری و انگیزشی مورد ملاحظه قرار داد. نشانه‌های قدرت نرم و ژئوکالچر را در هویت سازی، قدرت مقاومت، چندجانبه گرایی، ائتلاف هویتی و دشمن سازی مورد توجه قرار داد (علیدادی، ۱۳۸۸: ۳).

منابع و ابزارهای قدرت نرم

در دیپلماسی عمومی، تلاش‌ها و اقدامات حکومت یا دولت برای تاثیرگذاری بر اذهان و افکار نخبگان و عامه مردم کشورهای دیگر ارزیابی می‌شود و با این نیت صورت می‌گیرد که کشور هدف، سیاست‌ها، ایده‌ها و ارمانهای کشور عامل را خودی تلقی کرده و با آن احساس این همانی داشته باشد. دیپلماسی عمومی ابزار قدرت نرم است در صورتی که دیپلماسی عمومی را تلاش برای ارتباط با عموم مردم و نه تنها حکومتها بدانیم، می‌توان گفت که تاثیرگذاری دیپلماسی عمومی به شکل‌گیری قدرت نرم می‌انجامد. قدرت نرم و دیپلماسی به دنبال ارتقای تصویر کشور و تأمین‌کننده منافع ملی است (شیخ الاسلامی و فاطمی صدر، ۱۳۹۲: ۵۰-۵۱). ابزارهای قدرت نرم عبارتند از دیپلماسی عمومی، دیپلماسی فرهنگی، و همکاری و کمک مالی. برخی در قدرت نرم توانایی‌ها را ملاک قرار می‌دهند و برخی دیگر نتیجه رفتار را مهم‌ترین عامل می‌دانند. جوزف نای در ابتدا می‌گفت قدرت نرم یعنی توانایی بدست آوردن



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association

جمعية دراسات العالم الإسلامي

فصلنامه علمی - پژوهشی

پژوهش‌های بانی جهان اسلام

۱۷۴

سال ششم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۵

چیزی از طریق جذب بدون استفاده از زور و پرداخت پول (تطمیع)؛ یا توانایی تأثیر گذاری بر دیگران از طریق ابزارهای جمعی طراحی و شکل دهی دستورالعمل، اقناع و جذب مثبت به منظور دستیابی به نتایج دلخواه و مطلوب (Schneider, 2005). طیف رفتارها و منابع قدرت نرم و سخت در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

جدول شماره ۱: انواع قدرت

نرم	قدرت سخت یا نظامی	طیف رفتارها
جذب، همکاری و انتخاب، دستورالعمل سازی، دیپلماسی عمومی، دیپلماسی دو جانبه و چند جانبه	دستور و تحمیل، اجبار و تهییج و تطمیع، دیپلماسی زور، جنگ، ائتلاف	طیف رفتارها
نهادهای ارزش‌ها، فرهنگ، سیاست	زور، پول، تحریم، رشوه	عمده‌ترین منابع

(NYE, JR, 2004, 6).

قدرت نرم یکی از موثرترین ابزارهای برای تبلیغ و گسترش دستورالعمل دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران است. قدرت نرم می‌تواند به تقویت وجهه و اعتبار بین المللی ایران منجر شود و تعامل جهانی ایران را افزایش دهد و فرصهای اقتصادی، فرهنگی و سیاسی بهتری را بدست آورد. ابزارهای مرکزی قدرت نرم ارزشهای فرهنگی و ایدئولوژی هستند. جامعه و نظام نرم، جامعه و نظامی پایدار، مستحکم و جاودانی است. حال آنکه جامعه و نظام سخت، نظامی ناپایدار، متزلزل، سست و شکننده و رو به زوال است. جامعه‌ای که بر منابع غیر از منابع الهی قدرت تکیه کرده و بدان اکتفا می‌کند، فاقد اساس و بنیادی محکم و استوار است و هر لحظه پایه‌های آن در مقابل خطرات و بحرانها در معرض فرو ریختن و ویرانی است.

منابع قدرت می‌تواند طیف کاملی از رفتارها اعم از اجبار و جذب را تحت تأثیر قرار دهد. کشوری که از رکود و افول اقتصادی و نظامی رنج می‌برد احتمالاً نه تنها در معرض از دست دادن منابع قدرت سخت خود می‌باشد بلکه همچنین توانایی خود برای اثرگذاری و شکل بخشی به دستورالعمل بین المللی و برخی از جذابیت‌های آن را از دست می‌دهد. برخی کشورها ممکن است با قدرت سخت خود برای دیگران جذاب باشند. استالین و هیتلر و بوش تلاش کردند تا چنین افسانه‌ای را توسعه دهند. قدرت سخت می‌تواند برای تأسیس



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های یابی جهان اسلام

امپراتوری‌ها و نیز نهادهایی که دستورالعمل برای کشورهای کوچکتر تدوین می‌کنند مورد استفاده قرار گیرد. نظیر رفتار امریکا برای اعراب و رفتار شوروی نسبت به کشورهای اروپای شرقی. فرهنگ عالی که مبتنی بر ادبیات، هنر، آموزش است عمدتاً برای نخبگان جذاب است و فرهنگ عمومی بیشتر مختص توده‌هاست. وقتی فرهنگ یک کشور شامل ارزشهای جهانی است و خط و مشی‌های آن ترویج‌گر ارزشها و منافع است که دیگران را در آنها سهیم می‌کند تحصیل‌نتایج مطلوب شدنی است چون روابط جذاب و وظایف جذابی خلق می‌کند. منابع فرهنگی خود باعث تولید قدرت نرم می‌شوند. اما تاثیرات هر منبع فرهنگی بستگی به زمینه و محیط آن دارد تا آنکه منابع قدرت نظامی خوبی در جنگلها و باتلاقها نیستند. ذغال و فولاد منابع عمده قدرت در کشوری که فاقد پایگاه صنعتی است نمی‌باشند. مردم رواندا در حالی که تی شرتهای امریکایی می‌پوشیدند اما همزمان در حال ارتکاب جنایت علیه مردم لاگوس بودند. فیلم‌های امریکایی که برای چینیا و مردم امریکای لاتین جذاب بودند تأثیر متضادی بر مردم جهان اسلام داشتند و باعث کاهش قدرت نرم امریکا شدند. اما در هر صورت فرهنگ عمومی امریکا توانسته است جوری امریکا را معرفی کند که برای دیگران به عنوان کشوری که در مرز دانش و فناوری و نوسازی، اوج هیجان، عجب، قدرتمند و ثروتمند جلوه کند (NYE, JR, 2004, 6-35).

برخی دیگر از محققان معتقدند که برنامه‌های بین‌المللی تبادلات آموزشی و علمی ستون سوم دیپلماسی عمومی هستند که سبب تقویت و ارتقای قدرت نرم یک کشور می‌شوند. هدف چنین برنامه‌های توسعه روابط ماندگار و پایا با کمک شخصیت‌های کلیدی در طی سالهای طولانی از طریق محققان، تبادلات علمی، آموزش، سمینارها، کنفرانس‌ها و دستیابی به کانالهای رسانه است. این بعد از دیپلماسی عمومی کمک می‌کند تا تصویر جذاب و مطلوبی از یک کشور خلق شود و سیمایان کشور را برای تحصیل نتایج مطلوب بهبود می‌بخشد. معاون فرهنگی وزارت امور خارجه ژاپن می‌گوید: از نقطه نظر وزارت امور خارجه این نکته حائز اهمیت است که به عنوان بخشی از سیاست امنیت ملی ژاپن از آنجا که این جوانان در آینده به کشورهای متبوع خود بر می‌گردند و به هوادار و همفکر ژاپن تبدیل می‌شوند باید به قدرت نرم توجه کرد. برای مثال در مورد امریکا و فرانسه، همیشه به خاطر اینکه تلاش می‌کنند سیاستهای بین‌المللی مستقل خودشان در کشورهای دیگر ترویج و توسعه بدهند لذا



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association

جمعية تدراسات العالم الاسلامي

فصلنامه علمی - پژوهشی

پژوهش‌های بانی جهان اسلام

۱۷۶

سال ششم، شماره سوم، پائیز ۱۳۹۵

توسط اغلب کشورها مورد انتقاد جدی هستند. چون این کشورها دارای قدرت ملی کافی هستند این سیاستهای خود را به این شکل پیش می‌برند اما در مورد ژاپن که فاقد چنین قدرتی است بسیار ضرورت دارد تا در اوج ظرافت حتی تلاشهای مصنوعی مورد نیاز است تا به خلق هوادار و همفکر برای ژاپن به عنوان بخشی از سیاست امنیت ملی بپردازد. لذا برنامه آموزشی عالی و تبادلات علمی فوق العاده مهم است و همزمان ابزار سیاسی موثری می‌باشد. زمینه و پندار در شکل بخشی به پروژه قدرت نرم و پذیرشان نقش حیاتی دارند. آموزش عالی همیشه به عنوان یک نیروی بین المللی عمل کرده است و توسعه علمی و اطلاعات را تحت تأثیر قرار داده و سبب گسترش ایده‌ها در سطح جهان می‌شود. حوزه نفوذ آموزش عالی نهادها و مردم را در بر می‌گیرد. تجربه تحصیل در کشور خود یا خارج از کشور به تشکیل یک جهان بینی و نگرش نسبت به جامعه و فرهنگ کمک می‌کند. آموزش عالی نقش مهمی را در حمایت از نقش صعودی امریکا در آموزش بین المللی و در تعریف جایگاه امریکا در سلسله مراتب کشورها ایفا می‌کند. قدرت نرم دربرگیرنده سلسله‌ای نفوذها و تاثیرات در امور جهانی است که مرتبط با فرهنگ، علم، فناوری و نیروهای ظریف دیگر است. امریکا از آموزش عالی به عنوان یک وسیله‌ای برای تبیین و گسترش ارزشهای امریکایی در جهان استفاده می‌کند. مفهوم دیپلماسی عمومی که به مشارکت دادن، آموزش و اطلاع بخشی و نفوذ بر شهروندان کشورهای دیگر متمرکز است همان مفهوم قدرت نرم را دارد که جوزف نای به آن اشاره دارد (McConnell 2008, 18-35). جنگ سال ۲۰۰۳ که یکی از مهم‌ترین حوادث ابتدای قرن ۲۱ به شمار می‌رود مقدمه‌ای برای نفوذ و اثرگذاری در این کشور بود. با پخش تصاویری از کشته شدن غیرنظامیان عراقی، ناامنی مضاعف در عراق، پیدانشدن اثری از سلاح‌های کشتار جمعی در عراق و انتشار تصاویری از شکنجه‌ها در زندان ابوغریب امریکا امکان توجیه بکارگیری قدرت سخت را نداشت و رویکردی صرفاً نرم را برای اثرگذاری بر رفتار جامعه و دولت این کشور اتخاذ کرد (خواجه سروی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۰).

اهمیت قدرت نرم، الزامات و نحوه اثربخشی

ناکامی دولتها برای بهره برداری از قدرت نرم کشورهای خود می‌تواند به خوداگاهی ضعیف آنها درباره اهمیت این نوع از قدرت نسبت داده شود یا به سردرگمی به وجود آمده ناشی

از ناتوانی آنها برای مدیریت مناسب تفاوت‌های کیفی میان قدرت سخت و قدرت نرم و میان دیپلماسی عمومی و پروپاگاندا نسبت داده شود. ذهنیت فردی و محدودیت‌های فرهنگی قدرت نرم را از قدرت سخت متمایز می‌کند و تعامل جمعی میان فرستنده پیام و دریافت کننده پیام، دیپلماسی عمومی را از پروپاگاندا متمایز می‌سازد. هر دولتی نیاز به این دارد تا راهبردهای دیپلماسی عمومی مؤثر خود را به همراه بازشناسی کامل ویژگی‌های فرهنگی خود و در تعامل با بازارها تعریف و طراحی کند. دولت‌ها باید خود را به لحاظ ذهنی از میراث جنگ سرد آزاد کنند. اگر چه رفتار انسان به طور دقیق و کامل عقلانی نیست یا عمدتاً تحت تأثیر سود و منفعت فردی است، اما انحراف از عقلانیت به دنبال خود مجموعه‌ای قوانین را در پی دارد. با توجه به روابط بین کشورها، نمایان‌ترین فرمی که در آن دولت‌ها از قدرت نرم استفاده می‌کنند از طریق دیپلماسی عمومی است. دیپلماسی عمومی در امریکا و ایران ترکیبی از یکسری فعالیت‌های اطلاعاتی بود که حامی و پیش برنده فعالیت‌های آموزشی، فرهنگی و سیاسی این دولت‌ها است. این فعالیت‌ها درک بهتری از جامعه و فرهنگ، پیوندهای فردی و حرفه‌ای با نخبگان خارجی در ایران و امریکا ارائه می‌دهند. در طول جنگ سرد، قدرت نرم در گسترده‌ترین مفهوم آن به عنوان یک سلاح قدرتمند بر علیه کمونیسم و امپراتوری شوروی بکار گرفته شد (Seiichi 2008, 203-205).

یک اقتصاد موفق منبع مهم جذب است. همزمان، یک اقتصاد موفق می‌تواند منابعی را فراهم کند که می‌توانند به عنوان محرک‌ها یا وسایل قدرت سخت در فرم کمک و یاری یا تحریم‌های اجباری استفاده شود. برخی تحلیلگران معتقدند که در جایی که شرایط بازار رضایتی یا مبنی بر رضایت طرفین وجود دارد قدرت اقتصادی اندکی وجود دارد. خریداران و فروشندگان به یک قیمتی رضایت دارند که بازار تعریف می‌کند اما رابرت کوهن و من معتقدیم که در جایی که عدم تقارن و نابرابری میان خریداران و فروشندگان به یک رابطه بازار توافقی یا رضایتی بستگی دارد طرف بیشتر وابسته در مقابل تخریب و نوسان رابطه بازار آسیب پذیرتر است و این آسیب پذیری می‌تواند به عنوان یک منبع اجبار یا زور توسط طرف کمتر وابسته مورد استفاده قرار گیرد. گاهی اوقات در شرایط دنیای واقعی، دشوار است که تشخیص یا تمیز دهیم که چه بخشی از یک رابطه اقتصادی از قدرت نرم و سخت تشکیل شده است. رهبران اروپا تمایلات و خواسته کشورهای دیگران برای ورود به اتحادیه

اروپا را به عنوان یک نشانه‌ای از قدرت نرم توصیف می‌کنند. برای مثال، این نکته جالب است که کشورهای کمونیستی سابق در اروپای مرکزی انتظارات خود را تغییر دادند و در قوانین خودشان تجدید نظر کردند تا با چارچوبهای بروکسل هماهنگ شوند. ترکیه امروز نیز تغییرات زیادی را در سیاستهای داخلی و خارجی خود در زمینه‌های مشابهی برای هماهنگی با اتحادیه اروپا ایجاد کرد. اما اینکه چه مقدار این تغییرات به نتیجه مورد نظر یعنی تبدیل شدن به محرک یا وسیله اقتصادی بازار دست می‌یابند و چه مقدار این تغییرات برای نظام اقتصادی و سیاسی موفق اروپا جذاب هستند باید روشن شود. این شرایط یا موقعیت یکی از انگیزه‌های ترکیبی هستند و نیز بازیگران مختلف این ترکیب را در شیوه‌های مختلف می‌بینند. مدل رشد اقتدارگرایی باعث تولید قدرت نرم در کشورهای اقتدارگرا شده است اما در کشورهای مردم سالار از چنین جاذبه‌ای برخوردار نیست (Watanabe and McConnell, 2008: 10-15).

فرهنگ هر جامعه‌ای بر پایه حجم معلومات، دانش و معرفت تولید شده خود رشد می‌نماید. فرهنگ غنی‌تر، خودبخود بر فرهنگ ضعیف‌تر از حیث بارعلمی و معرفتی پیشی گرفته و خود را در جایگاه رهبری، اثرگذاری و نفوذ بر دیگران قرار می‌دهد و به دنبال آن به تولید قدرت سیاسی برای جامعه و ملت پیشروی خود می‌پردازد. همراه شدن قدرت فرهنگی غنی‌تر با انگیزه‌های سیاسی سلطه طلبی، زمینه را برای تسلط و فرمانروایی و سیادت ملت دارنده فرهنگ غنی‌تر بر سایر ملتها و دولتها فراهم می‌کند. فرایند شکل‌گیری این نوع سلطه به مراتب موثرتر و پایدارتر از سایر الگوهای سلطه نظیر سلطه سیاسی، نظامی و اقتصادی می‌باشد. زیرا در رابطه سلطه، نوعی عدم رضایت همراه با اجبار اطاعت‌پذیری در ملت و دولت تحت سلطه از ملت و دولت سلطه‌گر وجود دارد. در حالی که در سلطه فرهنگی و تکنولوژیکی که مبتنی بر دانایی و علم و معرفت است نوعی اقبال، رضایت و تمایل بر الگوگیری از قدرت برتر به دلیل قرار داشتن در موقعیت الگویی مشاهده می‌شود (حافظ نیا، ۱۳۹۰: ۹۴-۹۵).

بر طبق پندارهای فرهنگی مردم ژاپن، چین و کره جنوبی، قدرت نرم فرهنگی امریکا بیشترین نفوذ را بر آنها دارد اما اندونزی‌ها و ویتنامی‌ها قدرت نرم فرهنگی چین را مهم‌تر می‌دانند. در واقع مردم کره جنوبی، ژاپن و چین معتقدند که امریکا از درجه نفوذ فرهنگی بسیاری در آسیا برخوردار است و جاذبه فرهنگی امریکایی را بیشتر می‌دانند و معتقدند



گسترش این فرهنگ مثبت است اما مردم مسلمان اندونزی احساس می‌کنند گسترش فرهنگ امریکا چیز بدی است و نفوذ و اثر منفی بر جامعه اندونزی خواهد داشت. با وجود اینکه برخی از مردم اندونزی و مالزی معتقدند فرهنگ امریکا از جذابیت‌هایی برخوردار است. ولی غالب آنها معتقدند که گسترش فرهنگ امریکایی خوب نیست. اما شهروندان اندونزی و ویتنام معتقدند فرهنگ چینی تاثیرات مثبتی بر جوامع آنها دارد. سرمایه انسانی امریکا و چین نیز در اسیا بیشتر از سایر کشورهاست چون امریکا و چین دارای جمعیت زیاد باسواد و دارای علوم و فناوری‌های پیشرفته است. سرمایه علمی و فناوری ژاپن نیز قابل توجه است. قدرت نرم امریکا در کره، ژاپن، چین نیز بالاتر است. تنش میان چین و تایوان، مسئله برنامه هسته کره شمالی، تنش‌های میان دو کره و ژاپن و چین سبب شده قدرت نرم دیپلماسی آنها تضعیف شود و لذا این عوامل مانع ایجاد همکاری و اعتماد بین آنها شده است. از نظر شهروندان ژاپنی، چین و کره جنوبی، ایالات متحده بزرگترین احترام را برای حقوق بشر!!! دارد و سیستم سیاسی بازی دارد لذا قدرت نرم سیاسی محدودی دارد و از نظر شهروندان قدرتهای مهم، چین به لحاظ این شاخص ضعیف است و معتقدند نظام سیاسی چین در خدت تأمین نیازهای مردم خود نیست و احترام کمی برای حقوق بشر و آزادیهای مدنی قائل است (whitney and shambaugh, 2009, 7-39).

مقصود از دولت‌های نرم آن گروه از دولت‌ها هستند که بخش عمده‌ای از منابع قدرت آنان مرکب از منابع فرهنگی و معنوی است. در این قبیل دولتها، ضمن تأکید بر جنبه‌های معنوی و اخلاقی قدرت، نسبت به منابع مادی قدرت نیز توجه لازم صورت می‌گیرد و از ترکیب منابع مادی و انسانی قدرت در کنار منابع ماوراءالطبیعی (الهی)، بالاترین سطح کارایی پدید می‌آید. لیکن در این بین، زمینه اصلی بقا و استمرار حکومت را ناشی از حقانیت و مشروعیت معنوی می‌دانند و بر این اعتقادند که، آن دسته از حکومتها که فاقد مبنا و چارچوب معنوی و فرهنگی مناسبی هستند، حتی با وجود برخورداری از بالاترین منابع و توانمندیهای اقتصادی، صنعتی و نظامی، هرگز قادر به تضمین بقا و استمرار خود نمی‌باشند. حال آنکه شرط کافی و اصلی برای بقا و رشد و بالندگی، گذشته از قابلیت‌های مادی، عوامل و تکیه‌گاه‌های معنوی و حقانیت و مشروعیت ناشی از آن است. حکومت‌های نرم دارای ویژگیها و مشخصاتی هستند که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

- ۱- بهره‌مندی از بالاترین میزان مشروعیت از دو جنبه اخلاقی (معنوی) و مقبولیت مردمی.
- ۲- برخورداری از بالاترین و مناسبترین سطح کارآمدی و قابلیت‌های مدیریتی.
- ۳- پیوند عاطفی میان دولت و مردم که موجب تقویت پایه‌های هویت، همبستگی، و امنیت ملی بوده و از سویی میزان مشروعیت و مقبولیت حکومت را مضاعف می‌سازد.
- ۴- وجود حداکثر سلامت اخلاقی در مسئولان و زمامداران حکومت.
- ۵- بهره‌مندی از مناسب‌ترین شاخص‌های توسعه اقتصادی و صنعتی در زمینه تولید، درآمد ناخالص، رفاه عمومی، بهداشت، آموزش، تغذیه و مهارت.
- ۶- حاکمیت فضائل اخلاقی در روابط اجتماعی و رواج هنجارها و رفتارهای خیر، وفای به عهد، امر به معروف و نهی از منکر، تعاون، مسئولیت‌پذیری، انضباط اجتماعی، امنیت، شادی و پویایی در جامعه.
- ۷- پائین بودن میزان تخلفات، قانون‌شکنی، بزهکاری، چاپلوسی، ارتشاء، فقر، دزدی، اعتیاد، تجمل‌پرستی، نابرابری‌های طبقاتی، مصرف‌زدگی، سودجویی، کینه، حسد، تفرقه، استبداد، ناامنی، غم و اندوه و افسردگی.

۸- قابلیت حکومت در خشتی‌سازی و استحاله تهدیدات داخلی و خارجی با اتکا به کمترین میزان قوا و ابزارهای قهریه.

۹- ایجاد مناسب‌ترین ترکیب منابع قدرت با بهترین شیوه‌های ممکن

۱۰- انعطاف‌پذیری حکومت در شرایط گوناگون و متناسب با مقتضیات زمان و مکان

۱۱- بهره‌مندی از وسعت، عمق و دامنه بالای نفوذ و تأثیرگذاری بر مردم و فرایندهای داخلی و همچنین محیط بیرونی.

۱۲- توازن، تعادل و انسجام درونی ساختار حکومت و جامعه (واثق، ۱۳۸۵: ۷۷۰-۷۹۹).

از آنجا که در چنین نظام‌های شکننده و متزلزل، مبنای مشروعیت صرفاً مبتنی بر آراء مردم بوده و انتخاب مردم نیز شدیداً متأثر از بمباران تبلیغاتی و شگردهای فریبکارانه سیاسی است، لذا در شرایط بحرانی حکومت، فاقد تکیه‌گاه مطمئن اجتماعی بوده و مشروعیت سیاسی و اداری محض قادر به حفظ و بقای آن در قبال تهدیدات داخلی و خارجی نیست و ناگزیر برای بقا و استمرار حکومت، راهی جز توسل به ابزارهای سرکوب و روشهای قهرآمیز وجود ندارد. در بسیاری از حکومت‌های متزلزل و شکننده غربی، یک دلیل عمده برای توجه و اهتمام



زیاد به توسعه و تجهیز نیروهای نظامی و نیز ایجاد سازمان‌ها و دستگاه‌های عظیم اطلاعاتی و انتظامی، صرفاً با هدف مقابله با جریانات معارض داخلی بوده، و بطور روشن ساختار آسیب‌پذیر و نامطمئن این نوع حکومتها را آشکار می‌سازد (همان، ۷۹۹-۷۹۸).

منظور ما از کلمه وسیله، مجموع سلاحها و تجهیزاتی است که در جوامع هدف و رقیب برای دستیابی به اهداف جنگ نرم مورد استفاده قرار می‌گیرد مهمترین وسایل جنگ نرم شامل: ۱- ماهواره‌ها، ۲- شرکت‌های پخش خبر و پیام ۳- اینترنت ۴- شبکه‌های تلویزیون و رادیو ۵- فیلم و سینما ۶- ابزارهای پویانمایی و کارتونها، ۷- اسباب بازی‌ها ۸- بازی‌های ویدئویی ۹- نمادها، مد و موسیقی ۱۰- انتشارات و ادبیات مکتوب یا متون مکتوب ۱۱- مراکز و دوره‌های علمی ۱۲- سازمان‌های غیر دولتی ۱۳- مقررات بین المللی و سازمانی (nikmoeen, 6-7: 2015).

قدرت نرم و سیاست در عربستان سعودی

دو روش مهم تولید قدرت نرم وجود دارد. روش ساختاری و روش غیرساختاری. روش‌های غیر ساختاری در تولید قدرت نرم توسط جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: تولید قدرت براساس سمبل‌ها و نمادهای عمومی، تولید قدرت براساس اقتدار رهبری فرهمند (قدرت کاریزمایی)، تولید قدرت بر مبنای اُفت دینی، تولید قدرت بر مبنای ولایت دینی، تولید قدرت براساس نفوذ و اقتدار نخبگان، تولید قدرت براساس ترغیب و مراقبت عمومی، تولید قدرت بر محور دفع مخاطرات همگانی و تولید قدرت براساس ارتباطات عمومی؛ برای تولید قدرت اجتماعی پایدار و قوی، نه استفاده از یک روش ساختاری به تنهایی کفایت می‌کند و نه استفاده از یک روش غیر ساختاری می‌تواند جایگزین دیگر روشها شود. آنچه مهم است، ترکیب روش‌ها با یکدیگر و تولید قدرت به وسیله تجهیز و ترکیب همه منابع ممکن و با استفاده از تمامی روش‌های مذکور است. بطور مثال، منابعی نظیر فرهنگ و باورهای دینی و امدادهای ماوراءالطبیعی را نمی‌توان صرفاً در قالب‌های ساختاری تولید قدرت محدود نمود و در حدی شایسته و در خور بکار گرفت، زیرا این منابع در حصار ساختارهای دیوان سالارانه به سرعت تضعیف می‌شوند. این منابع را بیش از همه با تکیه بر روشهای غیر ساختاری می‌توان تجهیز و ترکیب نمود و در تولید قدرت اجتماعی بکار بست (واثق، ۱۳۸۵: ۸۰۴).



دو دارایی مهم سیاست خارجی عربستان سعودی نفت و مذهب است و این دو مؤلفه‌های کلیدی قدرت نرم عربستان هستند. پادشاهی عربستان سعودی مکان تولد یا زادگاه دین مبین اسلام و به ادعای خود حافظ و خادم دو مورد از مقدس‌ترین مکانهای مذهبی مسلمانان است (مکه و مدینه). دولت سعودی در زمان حج که مردم مسلمان جهان اسلام را به این کشور می‌آورد جایگاه رهبری عربستان سعودی و یا وجهه ان را در جهان اسلام تقویت می‌کند. نوع اسلامی که در عربستان سعودی اجرا می‌شود (اسلام سیاسی سلفی) و نقش روحانیون در دولت و جامعه بسیار مهم است. دستگاه و تشکیلات روحانیت عربستان سعودی برای خاندان سعودی مشروعیت مذهبی به همراه آورده است. پیوند مذهبی-سیاسی که از زمان شکل‌گیری وهابیت در قرن ۱۸ وجود داشته است، شکل محافظه‌کار اسلام سلفی، مورد حمایت تشکیلات روحانیت عربستان و شهروندان سعودی هست. برای پیروان اسلام سلفی و دوستان عربستان سعودی در جهان اسلام، این فرم رسمی اسلام و سیاستهای عربستان سعودی این تصور را برایشان ایجاد می‌کند که اسلامی که در عربستان اجرا می‌شود اصیل‌ترین و نابترین اسلام است. و از این رو به اقتدار و نفوذ عربستان سعودی در کشورهای اسلامی کمک شایانی نموده است (Rubin, 2010, 1-12). رفاه فراوان نفتی در عربستان سعودی توانایی مادی فراوانی را برای حمایت طرحهای سیاسی و مذهبی خود در سطح داخلی و منطقه‌ای و حتی جهانی فراهم کرده است و سبب شده عربستان سعودی به مدد این رفاه مادی ایدئولوژی پان‌اسلامیسم سلفی خود را تقویت و ترویج نموده و تصویر و وجهه خود را به عنوان رهبر جهان اسلام تقویت کند. ارزش‌ها و ایده‌های سعودی از طریق حمایت رسمی و غیررسمی که توسط عربستان و خیرین سلفی در ساخت مساجد، بیمارستان‌ها و مدارس مذهبی انجام می‌شود ساری و جاری هستند و دنبال می‌شود. فرصت‌های آموزشی که سعودی‌ها به مدد درآمدهای نفتی در داخل و خارج از عربستان ایجاد کرده‌اند نیز منجر به جذب افراد زیادی از خارج از عربستان شده است. منابع مالی عربستان سعودی همچنین باعث تقویت و پیگیری سیاستهای خارجی در عربستان سعودی شده است سیاستهایی که در مرکز طیفی از منابع قدرت نرم و سخت قرار دارند از جمله این حمایت‌ها می‌توان به حمایت مالی و تسلیحاتی و ایدئولوژی عربستان از طالبان، القاعده و گروه‌های ترویستی سلفی تکفیری در عراق و سوریه نام برد. عربستان سعودی به عنوان بخشی از دستورالعمل پان‌اسلامیسم خود برای



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های نوین جهان اسلام

۱۸۳

تفکر و نقش و جایگاه قدرت نرم در تحقق اهداف سیاست داخلی و ...

ارتقای مشروعیت رژیم و مبارزه با نفوذ ملی‌گرایی سکولار ناصر، خود شروع به ایجاد اتحادیه جهان اسلام کرد. تأسیس اتحادیه جهان اسلام در مکه در سال ۱۹۶۲ با هدف ترویج همکاری و همبستگی متقابل در جهان اسلام از طریق طیفی از فعالیتهای مذهبی، آموزشی و فرهنگی سعودی محور صورت گرفت. به واسطه این نهاد بین‌المللی، عربستان سعودی به ارزشهای مذهبی برای تضعیف جاذبه‌های ارزشهای ملی‌گرای سکولار ناصریسم استفاده کرد. دولت سعودی مدعی بوده و هست که کسانی که صدا و ندای اسلام را تحت ماسک ملی‌گرایی منحرف کردند. سازمان کنفرانس اسلامی نیز به ابزار و راهی برای عربستان سعودی جهت بسته‌بندی ایدئولوژی پان‌اسلامیسم سلفی و هماهنگی سیاست خارجی کشورهای اسلامی بدل شده است. امروزه سازمان اتحادیه جهان اسلام و شورای همکاری خلیج فارس به ابزارهای مهمی در دست سعودی‌ها تبدیل شده است و امکان ارتقا و ترویج ارزشهای سعودی‌ها را فراهم ساخته است. تأمین ایدئولوژی پان‌عربیسم سلفی که به محافظه‌کاری و خشونت و تروریست مشهور است در این دوره فراهم شد. با وجود تقویت قدرت نرم عربستان در بسیاری نقاط جهان اسلام، سیاست‌های سعودی‌ها منجر به تقویت گروههای تروریستی رادیکال نظیر داعش و القاعده شده که پیامدهای منفی آن به زودی دامن سعودیها را می‌گیرد (Rubin, 2010, 10-12). سیاست خارجی عربستان در خاورمیانه در چارچوب نظریه رئالیسم تهاجمی تحلیل پذیر است و در پی بیشینه‌سازی قدرت نسبی خود است (میرزائی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۵۲).

قدرت نرم و سیاست در جمهوری اسلامی ایران

در رقابت برای کسب نفوذ در خلیج فارس، عربستان سعودی همواره سطح بالایی از نفوذ سیاسی خود را در بین کشورهای منطقه به جز ایران حفظ کرده است (مسعودنیا و صادقی، ۱۳۹۲: ۱۰۱). سیاست ایران در قبال بحران سوریه و مسائل مهم منطقه خاورمیانه و جهان را می‌توان در چارچوب واقع‌گرایی تدافعی تعریف کرد. به عبارتی دیگر ایران به دنبال افزایش امنیت نسبی خود در برابر تهدیدات است (میرزائی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۵۳) مهم‌ترین عنصر یا مؤلفه امنیت ملی هر کشوری امنیت فرهنگی در برابر هر نوع تهدید نرم و تهدید فرهنگی است. تأثیر بر روی اندیشه، احساس باعث می‌شود طرف مقابل را به واسطه جاذبه



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي

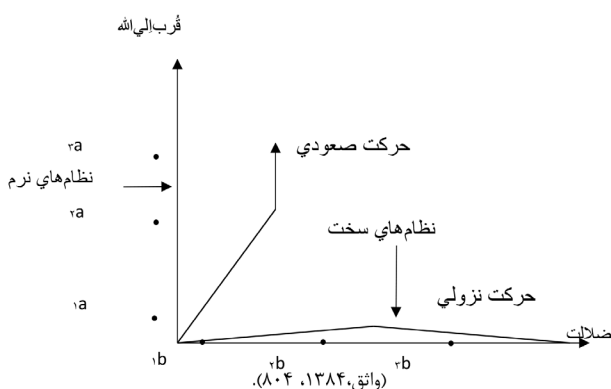
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های باسی جهان اسلام

۱۸۴

سال ششم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۵

مطیع خود سازد. تکیه بر ارزشهایی چون استقلال و آزادی، عدالت و شهادت و قانون از منابع قدرت نرم نظام اسلامی می‌باشد. منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران چند بعدی است و یک از این منابع، تفکر و ایدئولوژی جمهوری اسلامی ایران است که برخلاف ایدئولوژی‌های مادی و اهل سنت، تهاجمی و متعهد است و دشمن ظالم و حامی مظلوم است و به دلیل فقه پویای شیعه و اجتهاد هدفمند، خود را با تحولات روز دنیا وفق می‌دهد و هرگز دچار جمود فکری نمی‌شود. عاشورا، محرم، نیمه شعبان و عید غدیر و... سمبل وحدت و انسجام جامعه ایرانی هستند و از قدرت بسیج بالایی برخوردارند (Mortazavi emami, 2014, 5-8). به نظر می‌رسد مطابق بینش اسلامی، همه موجودات و از جمله انسان‌ها و جوامع بشری در راستای محورهای یک دستگاه مختصات دکارتی، سیر و حرکت می‌کنند. در این دستگاه، جوامع و دولت‌های سخت در امتداد محور افقی (x) حرکت کرده و گسترش می‌یابند و حداکثر به توسعه‌ای سطحی و کمی نائل می‌گردند. اما دولتهای نرم من جمله دولت اسلامی به معنای دقیق آن، در راستای محور عمودی (y) حرکت می‌کند و سیری صعودی و توسعه‌ای کیفی و همه جانبه دارد. اگر در این دستگاه مختصات، نقطه انتهایی محور عمودی (y) را رضا و قرب خداوند و فلاح و رستگاری فرض کنیم، و نقطه انتهایی محور افقی (x) را عدم رضایت الهی و گمراهی و تنزل از مقام انسانیت قلمداد نماییم، آنگاه به روشنی می‌توان تمایز ماهوی دو جامعه و نظام (مدینه) نرم و سخت یا «فاضله و جاهله» را تعیین و مشخص نمود

نمودار شماره ۱: مقایسه دو نظام نرم و سخت از نظر جهت و مقصد حرکت و توسعه؛



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های نوین جهان اسلام
جمعیتة ذر است العالم الاسلامی

ایدئولوژی اسلامی جمهوری اسلامی ایران یکی از مؤلفه‌های قدرت نرم این کشور محسوب می‌شود و چون باعث خلق ژئوپلیتیک جدید و فضای جدیدی شده است از جمله سبب احیای هویت مسلمانان و بیداری آنها و نیز سبب گسترش گفتمان مقاومت در برابر استعمار و نظام سلطه گردیده است لذا عامل بازتولید تضادهای سیاسی امریکا و دول استعمارگر غربی علیه ایران شده و زمینه کنترل گرای غرب را در برخورد با ایران به وجود آورد. اصول ایدئولوژی اسلامی ایران عبارتند از: تاکید مجدد بر اسلام به مثابه شیوه زندگی تمام عیار، اعتقاد به این که پذیرش الگوی غیردینی و غربی جدایی دین از دولت، سرمنشاء تمام مشکلات اجتماعی، اقتصادی، نظامی و سیاسی جوامع مسلمان است، اعتقاد راسخ به این که بازگشت قدرت و موفقیت‌های مسلمانان نیازمند بازگشت به اسلام و حاکمیت دین الهی به جای سرمایه داری غربی و مارکسیسم و سوسیالیسم ملهم از روسیه است، معرفی دوباره قانون اسلامی به مثابه طرح اسلامی جامعه مطلوب که اجتماعی عادلانه و اخلاقی از مومنان است، تمایل به نبرد علیه تمامی ناراستیها، حتی اگر لازمه آن تحمل سختی‌ها و در صورت لزوم به شهادت رسیدن در راه خدا باشد (اسپوزیتو، ۱۳۸۶: ۴۹).

قدرت اخلاقی نتیجه فرایند فرهنگی و نمادین است و عامل مرکزی مهمی در حیات اجتماعی است. نتایج سیاست‌های داخلی و خارجی تنها از طریق عوامل ساختاری استاندارد مثل منابع اجتماعی و اقتصادی بازیگران مختلف و روابط میان آنها تعیین نمی‌شود بلکه به واسطه توانایی نسبی بازیگران مختلف برای اقناع و نفوذ بر دیگران و با تاکید بر صحت و درستی مواضع اخلاقی خاص تعیین می‌شود (Mehta and winship, 2009, 23-26). مردم ایران و نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران برای تأسیس اینکه چه نوعی از نظام قدرت نرم بر زندگی مردم حاکم شود سخت مبارزه کردند. یکی از اهداف تمدن سازی نیز تبدیل قدرت سخت به قدرت نرم است (Held and koeng, 2004, 9-10).

حمید مولانا در کتاب خود با عنوان «اطلاعات و ارتباطات جهانی: مرزهای جدید در روابط بین الملل»، قدرت نرم را یک قدرت ضمنی و غیرمستقیم تعریف می‌کند و نشان می‌دهد که مذهب، اخلاقیات، و باورها، ایدئولوژی و علم ریشه‌ها یا منشأ آن هستند. از قدرت نرم و جاذبه آن برای ایجاد ارزشهای مشترک استفاده می‌شود. قدرت نرم یک تبلیغ سیاسی نیست بلکه متشکل از مباحث و استدلال‌های عقلانی و ارزشهای مشترک است و



می‌تواند بر افکار عمومی بیرون و خارج از کشور تأثیر بگذارد. قدرت نرم بر قدرت سخت چیره می‌شود و آن را تحت الشعاع قرار می‌دهد. انقلاب اسلامی ایران و سیاست خارجی در سطوح مختلف متکی بر قدرت نرم است هرچند قدرت مؤثر و قابل ملاحظه ایران توسط غرب و امریکا با چالش مواجه شد اما آن یک عنصر ذاتی در سیاست خارجی انقلاب اسلامی است. امام خمینی(ره) آرمانهای فرهنگی، سیاسی و اجتماعی مردم ایران را به هم نزدیک ساخت. او دریافت که هویت فرهنگی، منبع مهم قدرت است. امام خمینی از انقلاب بدون مرز سخن گفتند و رد نفوذ و حضور امریکا و اسرائیل در منطقه خاورمیانه و جهان سبب افزایش قدرت و محبوبیت ایران اسلامی گشت و مسلمانان مظلوم و ستم دیده شیعه را عزت دوباره بخشید و آنها را احیا نمود. در واکنش به رویدادهای کنونی در جهانی اسلام حضرت آیه الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی راه امام را ادامه داد و ایران را به عنوان مادر بیداری اسلامی توصیف نمودند. ایشان در ۸ فوریه ۲۰۱۲ فرمودند نظام اسلامی به سمت یک هویت بادوام، قوی، دائمی و واقعی در حال حرکت است و توانایی دفاع در برابر تهاجمات را دارد. به فرموده مقام معظم رهبری، تحولات کنونی بیداری اسلامی همچنان به مثابه سند مشروعیت نظام عمل می‌کند. چون امروزه شعارهای ملت ایران در منطقه فراگیر شده و کشورهایی که روزی حامی جبهه غرب بودند هم اکنون درکنار ایران ایستاده‌اند (feizi and talebi, 2013, 2-3). تافلر می‌گوید انقلاب اسلامی گفتمانی نوین پدید آورده است که بعد نرم و فرهنگی آن ارجح بر سایر ابعاد است و این واقعیت به علت احیای نظام ارزشی مبتنی بر خصائص فرهنگی و مذهبی، هویت نوینی را در جامعه شکل داده است که متمایز از سایر ملل مسلمان است. از دیدگاه بایر، برای رسوخ در هویت فرهنگی مردم ایران و ایجاد فاصله بین ملت و نظام ایران باید ابعادی اماج قرار گیرد که جمهوری اسلامی انرا رمز ماندگاری و افزایش قدرت نفوذ خویش می‌داند. ابعادی مانند هویت فرهنگی، جذابیت، حمایت مردمی، مشروعیت سیاسی و احساس فراگیر امنیت همگانی. طبیعی است چنین تهدیدی به علت ماهیت غیرمستقیم، پنهان و مشروع نمای خود، خطرناک‌تر از تهدید سخت و مستقیم است و سازمان ذهنی افراد، نظام فرهنگی جامعه و نهادها و سیستمهای اجتماعی را مختل می‌کند. پروژه تغییر ساختار سیاسی از درون در نظام جمهوری اسلامی ایران با توجه به ماهیت انقلاب و نظام اسلامی و نیز شرایط کلی حاکم بر حکومت و جامعه و سیاستهای امریکا و غرب بر



رابطه با جوامع اسلامی به ویژه ایران و ظرفیتهای قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران محکوم به شکست بوده و خواهد شد. علتان مردمی بودن نظام، اتکای به قدرت لایزال الهی و پشتوانه مردمی، رهبری توانا و هوشمند و نوع رابطه دولت و ملت و نفرت تاریخی از امریکا، روسیه و انگلیس می باشد (نائینی، ۱۳۸۸، ۲۰-۳۰).

ایمان و پایداری دینی باعث ارتقا و افزایش قدرت رزمی و دفاعی گروه مومنان شده و نیروی جنگی آنان را در مقابل گروه کافران مضاعف می سازد و این حقیقتی است که شواهد و نمونه های بسیاری را بر صحت و درستی آن می توان ارائه نمود. از جمله بارزترین نمونه های این قدرت و برتری دفاعی را ما هم در صدر اسلام و در نبردهای مسلمین با کفار و مشرکین ملاحظه می کنیم و هم در روزگار خود در جریان دفاع مقدس ملت ایران در مقابل متجاوزان عراقی به خوبی مشاهده کرده ایم. بی شک پیروزی بر ارتش تا بن دندان مسلح عراق در حالی که همه قدرت های بزرگ شرق و غرب در تجهیز و پشتیبانی نظامی او متحد شده بودند و دولت عراق را به انواع تسلیحات پیشرفته نظامی مسلح ساخته بودند و در عوض، رزمندگان ایرانی با در اختیار داشتن کمترین میزان تجهیزات و ادوات جنگی و صرفاً از طریق اتکا به باورهای عمیق جهاد و شهادت و انگیزه های فوق مادی دینی، ناممکن بود. برآستی دفاع مظلومانه ملت ایران در طول هشت سال دفاع مقدس و پیش از آن بر پایی انقلابی شکوهمند در هنگامه تسلط بی چون و چرای نظام دو قطبی و سیطره استکبار جهانی بر عالم، چه علتی جز اعتقادات عمیق دینی مردم ایران داشت؟ آیا برآستی بدون تکیه بر باورهای انقلابی و اسلامی و صرفاً از طریق اتکا به ایده های ناسیونالیستی و پابندی بر مشترکات ملی محض، اساساً امکان پیدایش چنین انقلابی قابل تصور بود؟ قضاوت منصفانه آن است که، یقیناً در جریان هر نهضت ضد استبدادی و استعماری نه در ایران که در همه نقاط جهان، این مبانی دینی و باورهای مذهبی بوده است که موجب تقویت انگیزه های مبارزاتی مردم تحت ستم علیه زورگویان گردیده است. به همین جهت، تاریخ انقلابهای جهان کمتر موردی را نشان می دهد که در آن مردم انقلابی بدون توجه به باورهای دینی، توانسته باشند خود را از یوغ استبداد و استعمار نجات بخشند (واثق، ۱۳۸۴: ۷۷۰-۷۹۹).



قدرت نرم و سیاست در امریکا و اسرائیل

با تأمل بر نوع بافت روان‌شناسی جامعه‌ی یهودیان اسرائیل و پیچیدگی ساختاری این گروه از نظر روحی-اخلاقی، دو سبک تفسیری روانشناختی و بعد جامعه‌شناسی می‌تواند مرجعی موثق برای تبیین چارچوبهای ساختاری مرسوم از سیمای حزب الله و ایران در اندیشه اسرائیل باشد. مثلاً قواعد کلی تفسیر روانشناختی معتقد است: تعصب و تصاویر مرسوم ذهنی به عوامل روحی مانند ترس، اضطراب، احساس کاستی و پوچی و... بر می‌گردد. یعنی فردی که از پدیده‌ی ترس و یا پوچی رنج می‌برد به منظور کاستن از شدت این نقیصه گاهی از تلقین روحی کمک می‌جویند؛ بنابراین عوامل روحی-روانی شخصی در مقایسه با عوامل دیگر تأثیر بیشتری در تصاویر مرسوم ذهنی دارد، مثلاً جوانی که در یک خانواده قدرت طلب و سلطه جو پرورش می‌یابد، در تعامل با دیگران کینه توز تر، و بیشتر دارای افکار ذهنی مخالفت جویانه است. مقاومت اسلامی در سالهای اولیه شروع جنگ توانست واقعیت عینی-در سطوح نظامی- را بر اسرائیل تحمیل کند که اگر احساس پوچی و ناامیدی اسرائیل در شکست دادن نیروهای حزب الله نبود، هیچگاه نمی‌توانست این واقعیت را پذیرا باشد و این همان چیزی است که زئیف شیف، تحلیلگر استراتژیک روزنامه هارتص در مورخه ۱۹۹۸/۱۲/۲۹ از آن با عنوان «وزنه یا بار سنگین بر دوش اسرائیل یاد می‌کند که در نتیجه شکست این رژیم در جنگ با حزب الله روی داد. نگاه جامعه‌شناسانه بر ساختار اجتماعی گروهی تکیه دارد که فرد به آن منتسب می‌باشد و نیز به بررسی میزان تهدید و پشتیبانی احتمالی یا واقعی گروه دیگری از ساختار گروه خویشتن می‌پردازد. بخش اعظمی از تصورات کلی افکار عمومی اسرائیل درباره جنبش حزب الله و ایران، برپایه پارامترهای روانی و اجتماعی شکل گرفته است که حکایت از آگاهی معی مردم اسرائیل نسبت به قدرت و توانایی جنبش حزب الله و مراتب تهدیدیان برای رژیم متجاوز اسرائیل دارد. (سلامه، ۲۰۱۶: ۷۵-۹۱).

غرب به ویژه امریکا، پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، تهدیدی جدید به نام جهان اسلام را جایگزین کمونیسم کرد و دو رویکرد تقابل گرایانه و نرافزارانه (جنگ نرم) را با جهان اسلام برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران برگزید. هدف جنگ نرم وسخت امریکا جهانی سازی ارزشهای لیبرال دموکراسی بود. در این راستا مبارزه با دولتهای اسلامی ومخالف به ویژه ایران را در دستور کار خود قرار داد. هانتینگتون در کتاب موج سوم دموکراسی امریکا



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های یاسی جهان اسلام

۱۸۹

نشر و نگاه قدرت نرم در تحقق اهداف سیاست داخلی و ...

در بخشی از منطقه خاورمیانه به صراحت اشاره دارد و حتی حضور نظامی در این منطقه را در راستای تحمیل ارزشهای امریکایی بر نظام کشورهای منطقه‌ای قلمداد می‌کند: بهره‌گیری از نیروی نظامی امریکا در خلیج فارس اگر به درازا کشید یکی از محرک‌های قدرتمند خارجی برای لیبرالی شدن بود. جیمز وولفسی، رئیس سابق سازمان جاسوسی امریکا، اعلام نموده است از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۶، ظرف مدت ۲۵ سال، امریکا با ۲۲ کشور از جمله ایران، عراق، سوریه و... برخورد می‌کند. این اجرای همان جنگ صلیبی است که با حمله به افغانستان و عراق و حل مشکل لیبی از طریق فشارهای سیاسی بخشی از پروژه مذکور طی شده و تغییر رفتار یا تغییر ساختار یا تهاجم نظامی علیه ایران، سوریه، لبنان و سودان را نیز در برنامه قطعی خود دارد. گری جفرسون رابط ویژه پنتاگون و کمیسیون خارجی امریکا می‌گوید جنگ نرم افزاری با ایران را باید جدی گرفت و باید سراغ روزنامه‌ها، سایت‌های ارتباط جهانی، نویسندگان و هنرندان رفت. این‌ها کسانی هستند که افکار عمومی را هدایت می‌کنند ما باید دو سلاح ایران را تضعیف کنیم: سلاح ایدئولوژیک و سلاح نظامی. زلمای خلیل زاد با صراحت اذعان می‌کند ایران در معرض اختلافات داخلی است. باید همه تلاشها برای بی‌ثبات کردن ایران صورت گیرد. محدود کردن برنامه هسته‌ای و پیشرفتهای علمی ایران، تضعیف انسجام ملی، قدرت ملی و امنیت ملی از جمله اقدامات بی‌ثبات ساز امریکا در ایران است (Whitney and Shambaugh, 2009, 7-39).

تهدید امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران در شاخصه‌هایی چون خلق بحرانهای اجتماعی به منظور زیر سؤال بردن مشروعیت و کارآمدی حکومت، خود را آشکار ساخته است. غرب و مخالفان جمهوری اسلامی ایران بعد از یازده سپتامبر و انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ و نیز بیداری اسلامی با ابزارهای چون جنگ رسانه‌ای در پی تشکیک و زیرسوال بردن مبانی فرهنگی مردم ایران به منظور تهدید امنیت ملی و فرو ریختن باورهای دینی و سستی جهت نفوذ بیگانگان نمود. راهبردها و شیوه‌های امریکا در جنگ نرم و ناتوی فرهنگی علیه جمهوری اسلامی ایران عبارتند از پیگیری پرونده هسته‌ای ایران و القای غیرصلح آمیز بودن این فناوری و اینکه ایرانی‌ها تلاش دارند بمب اتمی بسازند، سرمایه‌گذاری در رسانه‌های دیداری و شنیداری، سازمان‌های تبلیغاتی و خبری و شرکت‌های فیلم سازی با ارائه تصویری سیاسی و خطرناک از جمهوری اسلامی ایران برای افکار عمومی جهان، ایجاد فضای رسانه‌ای



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association

جمعية دراسات العالم الإسلامي

فصلنامه علمی - پژوهشی

پژوهش‌های بانی جهان اسلام

۱۹۰

سال ششم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۵

درباره حضور ایران در عراق، لبنان و سوریه، راه اندازی سایتهای اینترنتی و ارائه نرم افزارهای جاسوسی به دوستان خود در بیان بود تا ابعاد جنگ رسانه‌ای را به صورت اثربخش‌تر طراحی و اجرا کنند و تلاش برای تحلیل مغرضانه از اوضاع داخلی و ایجاد فضای وحشت و موهوم از احتمال بروز جنگ، آغاز دوره بحران اقتصادی و مشکلات عظیم ناشی از آن از دیگر اقدامات و تهدیدات نرم افزاری غرب علیه ایران بوده است (قربانزاده سوار و ناطقی، ۱۳۹۰، ۱۶-۱۸). امریکا بعد از جنگ علیه عراق در سال ۲۰۰۳، به فکر تاثیرگذاری بر عرصه فرهنگی و اجتماعی و تغییر نسل و فرهنگ کشور عراق بود. لذا همزمان با حضور نظامی و سخت در این کشور، بسترها برای اعمال قدرت نرم و دیپلماسی فرهنگی نیز با حضور نهادها و مؤسسات جامعه مدنی امریکا در عراق مهیا شد از سال ۲۰۱۱ همچنان فعالان و نهادهای دیپلماسی فرهنگی و قدرت نرم امریکا در عراق باقی ماندند. امریکا فرصتهای بیشتری برای شنیدن شدن پیامدهایش در جهان و تاثیرگذاری بر افکار دیگران دارد (خواجه سروی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۰).

رسانه‌ها در اسرائیل دارای نقشی برجسته در جهت دهی به افکار عمومی هستند و توانایی آنها در بازتولید این جهت دهی مشهود می باشد و بخش انکارناپذیری از عناصر تاثیرگذار در افکار عمومی اسرائیل است تصویر مطلوب افکار عمومی اسرائیل، این بار مرتبط با نوعی دشمن منحصر به فرد یعنی «حرب الله و ایران» می باشد زیرا مردم اسرائیل به طور مستقیم و بر اساس پندارهای ذهنی و برتری طلبی دین و مظلوم نمایی، به طور مستقیم دریافته‌اند که حزب الله نوعی خاص از دشمن است که توانسته است اصطلاحات وجودی خود را عمیقاً در ذهن آنها جای دهد. رهبران سیاسی و نظامی اسرائیل سعی دارند در ارائه تصویر جنبش حزب الله تاکید بوزد که «حزب الله یک دشمن وحشی است» و رهبران سیاسی اسرائیل نیز این جنبش را تنها شاخه‌ای تروریسم و سازمانی متجاوز می دانند که به طور کلی از یهودیان و به ویژه یهودیان اسرائیل متنفر است و این همان تصویری است که رسانه‌های وابسته به این دو گروه اقدام به نشر آن می کنند و جنبش حزب الله و ایران را چنین معرفی می کنند که: سازمان حزب الله بر مبنای سازمان القاعده شکل گرفته است و تهدیدی جهانی و تروریستی با ویژگیهای خاص می باشد که نه تنها منبع تهدید آمیز دائمی دولت اسرائیل محسوب می شود بلکه تهدیدی ملموس برای ثبات منطقه‌ای و بین المللی نیز می باشد لذا اینها بخشی از الفاظ و اصطلاحات



به عنوان بخشی از جنگ علیه «دشمن» یعنی حزب الله بکار گیرند تا افکار عمومی یهودی و جامعه غربی را در حد امکان برای ورود به عرصه جنگ تبلیغاتی و عملی آماده نگه دارند لذا نوشته‌ها و رسانه‌های اسرائیل به تقبیح حزب الله می‌پردازند و حتی سعی می‌کنند حزب الله را بخشی از گروه‌های مافیا معرفی کنند که در مرزهای شمالی فلسطین اشغالی به انواع قاچاق مشغول هستند. اسرائیل با تحریف موضوعیت برخی معیارهای ایدئولوژیک جنبش حزب الله سعی در تعقیب دو سیاست دارد. نخست، ایجاد رعب و ترس در جامعه اسرائیل، مبنی بر معرفی جنبش حزب الله به عنوان تهدیدی برای کیان جامعه یهودیت. دوم، ایجاد رعب و ترس در جامعه لبنان و عرب، با توجه به بافت طایفه‌ای، دینی و قومی جامعه لبنان و جهان عرب، رژیم اسرائیل سعی می‌کند اینگونه در افکار عمومی منطقه تلقین و جا بیاندازد که حزب الله در پی ایجاد اندیشه جمهوری اسلامی ایران می‌باشد (سلامه، ۲۰۱۶: ۸۰-۱۰۰).



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۱۹۲

سال ششم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۵

نتیجه گیری

همانطور که در درون جامعه گروه‌های نخبه و صاحبان فکر و اندیشه و اصحاب قلم و عالمان و مصلحان اجتماعی، نسبت به توده‌های مردم از نوعی برتری و تسلط و رهبری برخوردارند و در موقعیتی بالاتر، به شکل دهی ذهنی و رفتاری آحاد جامعه می‌پردازند و توده‌های مردم به نوعی تحت تأثیر آنها بوده و از ایشان تبعیت می‌کنند، و این گویای قدرت و غلبه صاحبان دانش و آگاهی است. عیناً همین وضعیت در روابط میان دولت‌ها و کشورها حاکم بوده و آن دسته از دولت‌ها که از ابزار، امکانات و منابع فرهنگی بهتر و بیشتری برخوردارند، در عمل تأثیر بیشتری بر ساختار و روابط بین‌الملل داشته و تنظیم و اجرای سناریوهای گوناگون ترتیبات جهانی را برعهده دارند. بر این اساس، می‌توان این برداشت را مطرح نمود که، در سلسله مراتب قدرت، کشورهای «نرم» در رأس هرم قدرت جای می‌گیرند، و دولت‌های سخت در ذیل آنها طبقه‌بندی می‌شوند. بنابراین به خلاف تصور رایج، ما معتقدیم چون مبنای اصلی قدرت و برتری در بهره‌مندی از منابع فرهنگی و معنوی است، لذا در طبقه‌بندی و ارزیابی قدرت کشورها، باید معیارهای کنونی مورد تجدیدنظر قرار بگیرند. مسلماً در این صورت، کشورهایی چون آمریکا در هرم سلسله مراتب قدرت، در ذیل کشورهایی چون جمهوری اسلامی ایران قرار می‌گیرند. در برخی جوامع و نظام‌های به ظاهر اسلامی نظیر حکومت‌های بنی‌امیه و بنی‌عباس و بسیاری از دولتهای حاکم بر ممالک مسلمان در زمان ما، به صرف تمسک به برخی ظواهر و رفتارهای سطحی و بعضی شعائر اسلامی، ادعای عمل به اسلام و احکام و فرامین الهی مطرح گردد، لیکن در جامعه‌ای که نتوان در آن نشانه‌هایی از روح و جوهره اسلام را در سیاست، اقتصاد، روابط اجتماعی و اخلاق مدیریت و زمامداری مشاهده نموده و سراغ گرفت، قطعاً نمی‌توان بر اساس ادعای متولیان آن جامعه، از چنین نظامی با وصف و لقب اسلامی و نرم یاد کرد (واثق، ۱۳۸۴: ۷۷۰-۷۹۹). جمهوری اسلامی ایران در سیاست داخلی و خارجی خود بیش از همه بر دو مورد آخر یعنی استفاده و تولید قدرت برای اقامه حق و طرد باطل و نیز تحقق و پایداری آزادی و عدالت و نفی ظلم و ستم در تمام جهان و در سطوح مختلف استفاده کرده است و هم اکنون به واسطه این نوع مبانی و رویکرد از قدرت نفوذ و جاذبه فراوان و عمق راهبردی فراوانی در منطقه خاورمیانه و جهان اسلام برخوردار است. بیداری اسلامی و تحولات جهان عرب در خاورمیانه ادامه و پیوستار



فرهنگی و سیاسی انقلاب اسلامی ایران است و شعارها و ارمانها مردم ایران هم اکنون در اغلب این کشورها شنیده و مطالبه می‌شود. دولت‌های تهاجمی نظیر عربستان و امریکا، امنیت دیگران را به صورت عامدانه تهدید می‌کنند و به جد در پی کاهش امنیت و پایگاه اجتماعی کشورهای مخالف خود و رقبا می‌باشد رئالیسم تدافعی ایران سبب تقویت صلح و امنیت منطقه‌ای و شکست تروریستها و ایجاد محدودیت گسترده برای تروریستها شده است اما سیاست تهاجمی عربستان منجر به افراط گرایی، ظهور گروههای ضدتمدنی و تروریستی داعش و القاعده در منطقه شده است.



فصلنامه علمی - پژوهشی
ژورنالی سای جهان اسلام

۱۹۴

سال ششم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۵

منابع

- اسپوزیتو، جان، آل (۱۳۸۶). انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، ترجمه محسن مدیرشانه چی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- بیابان نورد، علیرضا (۱۳۸۳). «مبانی تئوریک عملیات روانی در الگوهای اجتماعی»، فصلنامه عملیات روانی، سال دوم، شماره ۷.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۹۰). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: انتشارات پایلی، مشهد.
- حافظ نیا، محمد رضا؛ احمدی پور، زهرا و جنیدی، رضا (۱۳۸۹). «کارکردهای گفتمان ژئوپلیتیکی خیالی»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ششم، شماره دوم، ت ابستان.
- حیدری، غلام حسین (۱۳۸۴). «ژئوپلیتیک فرهنگی یا ژئوکالچر»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال اول، ویژه نامه، بهار، صص ۹۴-۹۵.
- خواجه سروری، غلامرضا؛ حکیم، محمداقبر و درویشی، داریوش (۱۳۹۴). «رویکرد فرهنگی ایالات متحده امریکا در عراق ۲۰۱۴»، فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال پنجم، شماره چهارم، زمستان، صص ۱-۲۶.
- سوربن، ورنر و تانکارد (۱۳۸۸). نظریه‌های ارتباطات، ترجمه علیرضا دهقان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- شیخ الاسلامی، محمدحسین و فاطمی صدر، امیر (۱۳۹۲). «دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در لبنان»، فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال سوم، شماره چهارم، زمستان، صص ۴۹-۷۴.
- علیدادی، شهربانو (۱۳۸۸). مقاومت در سیاست بین الملل (۱۹۷۹-۲۰۱۱)، فصلنامه سیاست، دوره ۴۱، شماره ۴، زمستان.
- قربانزاده سوار، قربانعلی و ناطقی، هاشم، (۱۳۹۰). «جنگ نرم و جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه تخصصی عملیات روانی، سال هشتم، شماره ۳۱، صص: ۱۶-۱۸.
- قربانی نژاد، ربیاز و فرجی راد، عبدالرضا (۱۳۹۵). «تبیین تأثیر عوامل فرهنگی بر تنش و منازعه در خاورمیانه»، فصلنامه مطالعات میان فرهنگی، شماره ۲۸، بهار، صص ۱۶۱-۱۸۹.
- مسعودنیا، حسین و صادقی، زهرا (۱۳۹۲). «خاورمیانه بزرگ جهان اسلامی؛ چالش‌ها و راهکارها»، فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال سوم، شماره ۱، صص ۹۷-۱۱۸.
- مندراس، هانری و گورویچ (۱۳۵۴). مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه باقر پرهام، تهران: انتشارات سیمرخ.
- میرزائی، جلال؛ حمایتیان، احسان و خواجه‌نوی، محمدحسن (۱۳۹۳). «تأثیر تحولات بیداری اسلامی بر روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی»، فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال چهارم، شماره دوم، تابستان، صص ۱۵۱-۱۷۹.
- نائینی، علی محمد (۱۳۸۸). «مقدمه‌ای بر روش‌شناسی انقلابهای رنگی»، فصلنامه علمی-تخصصی عملیات روانی، سال ششم، شماره ۲۲، صص ۲۰-۳۰.
- واثق، محمود (۱۳۸۴). «ریشه‌های نظری دیدگاه‌های نوین جغرافیای سیاسی در منابع اسلامی»، پایان نامه دکتری، دانشگاه تهران.



- Schneider, Cynthia (2009). "The Unrealized Potential of Cultural Diplomacy: Best Practices and What Could Be, If Only..." Heldref Publications Vol. 39. No. 4.
- Feizi, hiva, talebi, babak (2013). iran's soft power borne of necessity and-complexity of its multi-dimensional audience, pp:2-3.
- Rubin, Lawrence (2010). A Typology of Soft Powers in Middle East Politics. pp:9-10
- Mehta, jal, winship, Christopher, 2009, Moral Power, pp:23-26.
- Whitney, Christopher, shambaugh, david (2009). Soft Power in Asia, pp:7-34.
- Mortazavi Emami, aeyyed ali and et all (2014). Islamic Republic of Iran's soft power based on quranic teachings and Imam Khomeini's discourse, pp:5-8.
- Held, david, Koenig, mathias (2004). hard power, soft power and the goals of diplomacy, pp:9-10.
- Nikmoeen, javad (2015). introduction to soft war and its warfare against the Islamic republic of iran, International Journal of Review in Life Sciences, pp:1-8
- Nye, Jr, joseph S (2008). cultural and national assets of Japan and the United States. pp:10-15.
- McConnel, David L (2008). Japan's Image Problem and the Soft Power Solution: The JET Program as Cultural Diplomacy.
- Watanabe, Yasushi and McConnell, David L (2008). Soft power superpowers : cultural and national assets of Japan and the United States . Armonk, New York.
- Waltz, keneth (1979). Theory of International politics, New York: Random Housem 2.
- Seiichi, Kondo (2008). Wielding Soft Power, The Key Stages of Transmission and Reception, pp 203-205.

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۶۰۳۰۸

به این مقاله این گونه استناد کنید:

التیامی نیا، رضا؛ تقوائی نیا، علی (۱۳۹۵)، «تبیین نقش و جایگاه قدرت نرم در تحقق اهداف سیاست داخلی و خارجی» فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س ۶، ش ۳، پاییز ۹۵، صص ۱۹۶-۱۶۷.



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

۱۹۶

سال ششم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۵